بسم الله الرحمن الرحیم

ای که با نامت جهان آغاز شد

دفتر ما هم به نامت باز شد

بروزرسانی شهریورماه ۱۴۰۵

پیش گفتار

شناخت جهان هستی به مسئله‌ی خلقت انسان برمی‌گردد، چنانکه خداوند محور هستی و انسان محور اصلی خلقت است. اینکه چگونه انسان به وجود آمد و هدف از خلقت وی چیست یا اینکه فرآیند این خلقت چگونه بوده است و سرانجام چه خواهد شد؛ همه‌ی اینها به شناخت جهان کمک می‌کند. مخلوقات مظاهر اسماء الهی هستند و تمامی جهان نظامش احسن بوده؛ انسان مظهر احسن اسماء است و شناخت آفرینش او هم شناخت جهان هستی است.

مسئله‌ی خلقت

مسئله‌ی خلقت آدم (ع) از مسائل بسیار پیچیده‌ای است که برای مردم مبهم و نامشخص و هر محققی در فهم آن مبهوت است. غالب نوشته‌هایی که در باب

خلقت حضرت آدم مطرح شده، اعم از کتب آسمانی و روایات ائمه‌ی معصومین (ع) و نوشته‌های دانشمندان و تواریخ، همه و همه گسترده، پیچیده، متضاد و مبهم به نظر می‌رسد به طوری که سیر شناختی آن، هر ذهن کنجکاو را به بیراهه یا بن‌بست می‌کشاند. در کنار این موضوع، مسائلی مانند خلقت آسمان‌ها و زمین، فرشتگان، ماهیت خلق و امر، اسماء الهی، قضا و قدر، جبر و اختیار، بهشت و جهنم و موضوعات بسیار دیگری که محققان اسلامی و غیرمسلمان پیرامون آنها سخن گفته‌اند مباحثی مهم و همگی مرتبط با خلقت انسان هستند؛ لیکن در اغلب آنها، مسائل به صورت پیش‌پا افتاده و سطحی نگریسته شده و با وجود اینکه این مطالب از مفاهیم عمیق علمی محسوب می‌شوند، به صورت مبهم، گنگ و دور از اصل و حقیقت بیان شده و درک دقیقی از آنها به عمل نیامده است. جالب آنکه خود مفهوم «علم» نیز از آن جمله است که در کنار مفهوم «عقل» همچنان ناشناخته باقی مانده است و به جز خصوصیات و عوارضی چند از این موضوعات، درک شایسته‌ای از ماهیت آنها حاصل نشده است.

درک مفاهیم هستی

واضح است که خداوند انسان را موجودی متفکر و صاحب اندیشه و رای آفرید، به او قدرت استدلال داد تا بتواند حقایق را نیکو دریابد و حق و باطل را تشخیص دهد. انسان همواره دارای اندیشه بوده و به اندیشیدن و تفکر سفارش شده تا بداند و بیابد، و این نیز از اهداف آفرینش جهان است که بیاندیشد و بیابد. به خصوص اندیشه در مفاهیم خلقت و سیر تکامل آن، اینکه کجا بوده‌ایم و اکنون کجا هستیم و چه خواهد

شد، موضوعاتی مهم، هیجان‌انگیز، مطلوب و ضروری هستند که اندیشمندان دینی و غیردینی بدان پرداخته‌اند. اما نتیجه ابدا رضایت‌بخش نیست و ناشناخته‌های بسیاری باقی مانده، به علاوه اینکه در برخی موضوعات تعارضات و تضادهایی است که بایستی مرتفع گردند. متاسفانه در شناخت مسأله خلقت متفکران اسلامی بحث را کاملا پیچیده کردند و بجای شفاف کردن موضوعات خلقت، آنرا مخلوط و غامض‌تر نمودند؛ نور و عقل و قلم را در هم آمیختند و آب و هوا و حیات و خلق جانداران و ... را مبهم‌تر کردند. البته موضوع واقعا بزرگ، مهم و غامض است لیکن گسستن مرزها بر پیچدگی آن افزوده است.

مسایل مهم هستی

هنگامی که می‌بینیم بحث در وجود موجوداتی به نام جن، که وجود آنها به صراحت در آیات و روایات آمده، برخی محققان اسلام را تا انکار آنها می‌کشاند؛ این نشان‌دهنده‌ی پیچیدگی بحث و دشواری این مسئله است که بیشتر از کمبود شواهد ناشی می‌شود تا عدم توجه به اهمیت موضوع. از طرفی تعدادی از مفاهیم همواره مطرح و مبهم بوده و هست و شاید برای شما نیز مورد توجه باشد، موضوعاتی که از گذشته به آن‌ها اندیشیده‌ایم و سوالاتی که به پاسخ آنها هنوز دست نیافته‌ایم که به طور اجمال فهرستی از اینگونه سوالات را در ذیل ذکر می‌آوریم:

- آیا عقل اولین مخلوق حق تعالی است؟
- آیا گیتی، جهان و عالم همیشه بوده یا همیشه خواهد بود؟
- جهان طبیعت چگونه ایجاد شد؟

- آیا انفجار بزرگ نظریه‌ای درست است؟
- طبیعت چیست؟ چه تعریفی دارد؟ جسم چیست؟
- ملائکه و شیاطین چگونه‌اند؟
- شیطان کی ساخته شد؟ چگونه است؟ روح دارد؟ عقل دارد؟ دارای نفسی مانند نفس انسانی است؟ خصوصیات فیزیکی‌اش چیست؟ اصلاً می‌توان از فیزیک او صحبت کرد؟
- عوالم امر و خلق کجا هستند، این عوالم که وجود ذهنی نیستند و وجودی خارجی دارند پس عالم امر کجای این گیتی جای دارد؟ آیا همانگونه که برخی گفته‌اند عالم امر، عالم فرشتگان بوده و عالم خلق موجودات روی زمین هستند؟
- عقل چیست؟ عالم عقل کجاست؟ عوالم خلق و عالم امر کجای جهان هستی مخفی شده‌اند؟ آیا آن‌طور که بگوییم آنها عوالمی حقیقی‌اند کافیست؟ عقل کجای جهان هستی است و چگونه انسان و خلایق با آن در ارتباطند؟
- علم چیست و عقل چیست؟ تفاوتشان در چیست و اشتراکشان در کجاست؟
- ارواح کی و کجا خلق شدند؟ جانداران هم روح دارند؟ مگس روح دارد؟ چگونه پرواز می‌کند و حیات هوشمند است؟ عقل دارد؟ و اگر عقل زیربنای هستی است اس هر جانداری و جمادی هم عقل دارد!
- روح آدمی چگونه و از چه ساخته شده است؟ آیا انسان واقعاً روح دارد یا روح او همان دنا (DNA) است؟ روحش چگونه است؟ آیا صرف اینکه

بگوییم روح مجرد است، همه چیز را توجیه می‌کند؟ نفس انسانی چیست و آیا بسنده کردن به این گفتار که روح آدمی عنصری مجرد است همه‌ی سوالات را پاسخ می‌دهد یا تنها دهان افراد کنجکاو را می‌بندد.

- روح مجرد از چیست؟ مجرد از ماده یا کوارک است؟ ماده چیست؟ الکترون ماده است؟ کوارک چطور؟
- آدم چگونه آفریده شد؟ از گل! آیا اینکه بگوییم خداوند همه‌ی موجودات را به صورت مرحله به مرحله طبق قوانین علی آفرید ولی در خلقت آدم (ع)، آن را از گل معمولی دفعتاً خلق کرد، ظلمی محسوب نمی‌شود؟ بالاخره خلاف واقعیت نیز خود انحرافی است.
- آیا انسان از نسل حیوانات است؟ این که از نسل حیوان است اصلاً معنی مشخصی دارد؟ معنی آن چیست؟ آیا عیب است که نسل بشر منتج از نسل گونه‌ای حیوان باشد، مگر نوع بشر چیست؛ نه اینکه مانند سایر جانداران می‌خورد، می‌خوابد، راه می‌رود و ...!
- عالم ذر کجاست؟ الان وجود دارد یا در زمانی بود و دیگر نیست؟ حقیقت است یا مجاز؟
- بهشت و جهنم کجا هستند؟ مگر نه آفریده شدند مکانشان کجاست؟ شاید هنوز باید صبر کنیم تا قیامت برپا شود تا آنها را ببینیم یا توهم کنیم که در کنار ما بهشتی است و جهنمی! آیا در جریان قیامت که زمین به غیرزمین تبدیل خواهد شد جهنم همین خورشید سوزان خواهد بود؟
- نحوه عمل انسان چگونه است؟ چگونه اعمال ثبت می‌شوند؟ آیا فرشتگانی قلم و کتاب به دست بر شانه‌هایمان نشسته‌اند و کارهای ما را ثبت می‌کنند.

از نیات ما چونه باخبر می‌شوند؟ نیت بو دارد، رنگ دارد ... این اعمال چگونه به روح ما منسوب و متصل می‌شوند؟ مگر این نیست که در قیامت اعضاء انسان سخن می‌گویند پس این کتاب و قلم چیست! یعنی گناه روح را کثیف می‌کند، چگونه روح کثیف می‌شود؟ جرم می‌گیرد؟ اصلا کتاب چیست که هر انسانی دارد؟ جن هم کتاب دارد؟ علم و عمل چگونه تقابل دارند؟

- بداء چیست؟ اگر خلقت جهان احسن است پس نقش بداء چیست؟
- رجعت چیست؟ آیا همه ی مردم دوباره به زمین باز می گردند؟ شاید برخی از افراد رجعت داشته باشند و پس از مرگ، جسم انسانی دیگری به خود بگیرند، این چه مشکلی ایجاد می‌کند؟

سوالات بسیار هستد و پاسخ‌ها هم گوناگون و غالبا سلیقه‌ای است چرا که بیشتر سوالات بالا در کتب دینی یافت می‌شود ولی با سلایق مختلف. آنچه حاصل تفکرات بشر بوده و هر آنچه متفکران شیعی بر آن افزودند، همچنان مختصر و ناقص است و ناشناخته‌های بسیاری در خلقت عالم و آدم وجود دارد که در بحث‌های مربوط به آنها، سربسته از کنار آنها گذشته‌ایم.

بحث خلق آدم (ع) آنقدرپیچیده است که گفتار معصومین علیم‌السلام در باب خلقت حضرت آدم (ع) به همان کلام خدا برمی‌گردد و هم‌صدا با کلام الهی می‌فرمایند که او از گل خلق شده است. داستان خلقت او آنقدر ظرافت دارد که برای مردم هزار و اندی سال پیش سخن از تکامل و ژن و مباحث زیستی آن بسیار پیچیده و عجیب بوده و به همین خاطر ائمه معصومین (ع) به همان کلام خدا بسنده کردند.

جالب اینکه در اکثر مباحث این گونه‌ای مانند بحث عقل غالباً گفتار از عوارض و خواص آن بحث می‌شود و از ماهیت آن به ندرت سخنی گفته می‌شود! عقل چیست؟ جوهر مجرد و لطیفی است که خدا برای خلق جهان آفرید. آیا این تعریف عقل است؟ یا اینکه العقل ما عبد به الرحمن و اکتسب به الجنان. چرا اولین مخلوق است در حالیکه در کتاب خدا بیشتر به معنی تفکر و تامل ذکر شده!

در یک نمونه از ابهام می‌توان از فرشتگان سخن گفت. مردم عادی تصور می‌کنند که فرشتگان موجوداتی انسان شکل هستند و آنها را در قالب دخترانی بالدار تجسم می‌کنند که در آسمان سکونت دارند. چنین نمایشی بیشتر حاصل تصورات مسیحیت و یهودیت بوده؛ چنانکه در آثار و نوشته‌های ایشان آمده و نیز در نقاشی‌های آنان جلوه‌گر شده است. این نمود اگرچه در اسلام مردود است با این‌حال اندیشمندان اسلامی هم از این موجودات خصوصیات بیشتری ارائه نمی‌کنند و تنها به اینکه آنها مجرداتی با دو یا چند بال هستند اکتفا می‌کنند.

نگرش در عالم

اندیشمندان جهان بر این باورند که «عالم همانگونه است که من می‌بینم»، ولی شایسته و بایسته است که «عالم را همانگونه که هست، باید دید». برای نگرش عمیق‌تر به جهان هستی که از دید کوتاه بشر مخفی است و میسر انسان‌های معمولی نیست باید به رجال الهی و کتب آسمانی و مهمتر از همه به خداوند مراجعه کرد و از او یاری خواست تا نگرش صحیحی به عالم و آدم پدید بیاید.

برای نگارنده مفاهیمی مانند مجرد بی‌معنی است، اینگونه مفاهیم هنوز رنگ و لعاب کلاسیک و سنتی خود را دارد و تنها تسلی بخش علومی است که درباره ی آنها اطلاعات چندانی نداریم. مجهولاتی ماورائی که وقتی صحبت از آنها به میان می‌آید با برچسب «مجرد» از آنها می‌گذریم و با این کلمه بی‌معرفتی خود را از آنها توجیه می‌کنیم. با وجود اینکه برای بسیاری از مسائل تعاریف و حدود مشخصی قرارداد شده، ولی بعضی مفاهیم همچنان تعریف جامع و همه‌گیری نداشته و به‌گونه‌ای مبهم، چندپهلو و یا نادقیق مطرح شده‌اند. هنوز تعریف دقیقی از عقل و ایمان نداریم؛ نمی‌دانیم عمل انسان چه‌گونه ثبت می‌شود؛ آیا فرشته‌ای با قلمی در دست آن را بر لوحی می‌نگارد و گاهی آن عمل را از لوح پاک می‌کند؟ مفهوم طبیعت همچنان مبهم است و نمی‌توان به‌راستی مشخص کرد که کوارک‌ها هم در طبیعت قرار می‌گیرند و آیا فرشته فراطبیعی است یا خیر! آیا حقیقت جن‌ها که در ابهام قرار دارد ما را به سمت آن می کشاند که جن‌ها بهیمه‌اند. به هر حال ناشناخته‌ها بسیارند و امید است که دریابیم و به کار گیریم. آخر زمان فرا رسید و ما در اولش مانده‌ایم ...

ش. نصرتی

شهریور ۱۴۰۰ شمسی